

نقش سازمان‌های غیر دولتی (NGO) در توانمندسازی زنان و جوانان روستایی (نمونه: روستای اردوغش)

مجید یاسوری* - دانشیار دانشگاه گیلان، گروه جغرافیا، رشت، ایران

دریافت مقاله: ۹۰/۳/۱۱

پذیرش نهایی: ۹۰/۱۲/۲۵

چکیده

توانمندسازی و کسب مهارت‌های بهره‌بردارانه بهینه از منابع محلی، ایجاد زمینه‌های لازم برای مشارکت است. با توجه به نقش محوری زنان در خانواده و برنامه‌های توسعه جوامع محلی، توانمندسازی زنان یکی از مهمترین اقدامات برنامه‌های توسعه به شمار می‌آید. یکی از مهمترین راه‌های توانمندسازی زنان روستایی، تشکیل نهادهای محلی (تشکل‌های غیر دولتی) است. شناخت زمینه‌های ایجاد و گسترش تشکل‌های محلی و نقش آن در فرایند توسعه و ترویج روستایی و توانمندسازی به خصوص در بین زنان روستایی با توجه به نقش محوری در اقتصاد خانوار روستایی، از اهداف تحقیق حاضر است. این تحقیق با تأکید بر نظریه توانمندسازی در روستاهای دهستان اردوغش و با تأکید ویژه بر باشگاه کشاورزان جوان به عنوان تنها تشکل فعال منطقه و به صورت میدانی (تکمیل ۶۰ پرسش‌نامه و مصاحبه با افراد) صورت گرفته است. این تشکل حدود ۹۰ عضو داشته که ۴۰ نفر از آنان را زنان تشکیل می‌دهد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که: پی‌گیری برنامه‌های آموزشی، ایجاد مراکز فعالیت از جمله بسته بندی محصولات باغی، ایجاد گروه‌های تخصصی در زمینه‌های اشتغال‌زایی، فرهنگی، ورزشی و ... منجر به ایجاد توانایی‌ها و مهارت‌هایی در بین زنان گردیده است. بعلاوه استفاده مستمر از نیروی کار زنان همراه با مشارکت دادن آنان در عرصه تصمیم‌گیری و ایجاد زمینه برای مشارک آنان در فعالیتهای مختلف باعث بالارفتن آگاهی و توانایی آنان در مسائل مربوط به خود و روستا است. از طرف دیگر عواملی نظیر: عدم اطلاع‌رسانی مناسب، مشکلات مالی، عدم پشتیبانی کافی دستگاه‌های ذی‌ربط و موانع فرهنگی و اجتماعی در کند شدن روند حرکت و پیشرفت برنامه‌های تشکل مذکور مؤثر بوده‌اند.

واژگان کلیدی: زنان، تشکل‌های غیر دولتی، توانمندسازی، اردوغش.

جامعه‌شناسان، توسعه روستایی را مبتنی بر تلاش برای بهبود و ارتقای کیفیت زندگی اقشار فقیر و آسیب‌پذیر روستایی دانسته‌اند (ازکیا، ۱۳۸۳: ۲۲). پس از گذشت چند دهه از تلاش برای توسعه روستایی، فقدان مشارکت نهادمند از سوی روستاییان یکی از علل ناکامی طرح‌های توسعه روستایی است. به عبارت دیگر عدم اهتمام به وجوه چهارگانه مشارکت شامل: مداخله در تصمیم‌گیری، نظارت، اجرا و برخورداری از منافع (طالب، ۱۳۷۶: ۹۶) از سوی برنامه‌ریزان و مدیران روستایی در عدم تحقق اهداف طرح‌های توسعه روستایی مؤثر بوده است. به نظری‌رسد با توجه به مسائل مدیریت توسعه روستایی در ایران و عناصر شکل‌دهنده آن، راهبرد توسعه مشارکتی یکپارچه می‌تواند از طریق تمرکز تمام فعالیت‌های مربوط به بخش روستایی با برنامه‌های واحد اما قابل انعطاف برای مناطق با محوریت مشارکت نهادمند روستاییان کارگشا باشد. یکی از دلایل عدم مشارکت روستاییان در فرآیند تهیه و اجرای برنامه‌های توسعه روستایی، عدم توانمندی آنان در این امر است. متأسفانه در برنامه‌های توسعه نیز نقش زنان که نیمی از جمعیت کشور را به خود اختصاص داده‌اند کمتر مورد توجه قرار گرفته است. مهم‌تر از همه عدم اعتقاد برنامه‌ریزان به توانمندی‌های زنان و همچنین پایین بودن توانمندی‌های زنان، به خصوص زنان روستایی میزان مشارکت آنان در برنامه‌های توسعه بسیار محدود است. بنابر این، لازم است به منظور تحقق توسعه روستایی و گسترش مشارکت روستاییان و به خصوص زنان روستایی در آن به توانمندسازی آنان پرداخت.

یکی از مهمترین راه‌های توانمندسازی روستایی، تشکیل نهادهای محلی است که متأسفانه در امور زنان روستایی، چندان ایجاد نشده است. اصولاً از اهداف ایجاد تشکلهای محلی؛ انتخاب و یا تطبیق نوآوری با شرایط روستا و اشاعه آن، شناخت نخبگان روستایی و مشارکت طلبی برای رفع مشکلات روستایی، تقویت روحیه خودباوری و اتکا به خود در بین مردم، بهره‌گیری از ظرفیت‌های سازمان‌یافته مردمی برای توسعه و پایدار ساختن طرح‌های توسعه محلی، تدوین برنامه‌های آموزشی و ترویجی در جهت زمینه‌سازی پذیرش نوآوری‌ها و... می‌باشد (شهبازی، ۱۳۷۲: ۳۸۲). این تحقیق به دنبال شناخت زمینه‌های ایجاد و گسترش تشکلهای محلی و نقش آن در فرآیند توسعه و ترویج روستایی و توانمندسازی به خصوص در بین زنان روستایی است. زنان روستایی علی‌رغم مشارکت گسترده در فعالیت‌های کشاورزی - حدود ۴۰ درصد نیروی کار کشاورزی و گاه تا ۷۰ درصد (درخشان، ۱۳۷۴: ۲۲۷) - به علت پایین بودن سطح سواد و مهارت، غلبه فرهنگ مرد محوری، عدم اعتماد به نفس (قریشی، ۱۳۷۶: ۱۶۳) و ... در برنامه‌های توسعه روستایی چندان مورد توجه قرار ندارند. زنان روستایی نقش محوری در اقتصاد خانوار روستایی داشته و یکی از عناصر نامشهود و نامرئی (شادی‌طلب، ۱۳۸۱: ۲۱۲) در اقتصاد کشاورزی محسوب می‌شوند و سهم مهمی در نیروی انسانی مورد نیاز بخش کشاورزی دارند. با توجه به نقش محوری زنان روستایی در فرآیند توسعه اقتصادی و اجتماعی و پایداری آن در مناطق روستایی، توجه جدی به توانمندسازی زنان روستایی از مهمترین اهداف برنامه‌های توسعه تلقی می‌گردد. در همین راستا این تحقیق به فرآیند توانمندسازی، مشکلات و نقش تشکلهای محلی (NGO ها) در توانمندسازی زنان روستایی می‌پردازد. ارزیابی عملکرد باشگاه کشاورزان جوان در روستای اردوغش در شهرستان نیشابور به عنوان یک تشکل محلی موفق، زمینه‌های تشکیل، مشکلات و راهکارهای گسترش تشکلهای محلی و توانمندسازی روستایی از دیگر مواردی است که در این تحقیق به آن پرداخته شده است. در این مقاله پس از بیان مبانی نظری و معرفی منطقه مورد مطالعه به تشریح چگونگی ایجاد باشگاه

- کشاورزان جوان به عنوان یک تشکل غیر دولتی، مشکلات و نقش آن در توانمندسازی زنان روستایی پرداخته شده است. در همین ارتباط، سوال‌های تحقیق عبارتند از:
- (۱) تشکل‌های محلی تا چه حد در توانمندسازی زنان روستایی موفق بوده است؟
 - (۲) آیا تشکل‌های محلی در افزایش سهم زنان در اقتصاد خانوار در مناطق روستایی نقش داشته است؟
 - (۳) مشکلات اصلی ایجاد تشکل‌های محلی و راهکارهای رفع آن چیست؟

۲. مروری بر ادبیات تحقیق

این تحقیق بر مبنای نظریه توانمندسازی انجام شده است. در ساده‌ترین تعریف توانمندسازی، می‌توان آن را فرآیندی دانست که طی آن افراد، گروه‌ها و جوامع از وضعیت موجود زندگی و شرایط حاکم بر آن آگاهی یافته و برای تغییر شرایط موجود به سمت شرایط مطلوب با شناسایی نیازها و دارایی‌های خود برنامه‌ریزی مناسب، آگاهانه و سازمان‌یافته انجام می‌دهند بر اساس این نظریه، هر فرد باید موقعیت آن را داشته باشد که از تمام توانایی‌ها و خلاقیت‌های خود استفاده کند. این نظریه معتقد است که باید سازمان‌های محلی و سنتی کمک و تقویت شوند. به نظر می‌رسد نظریه توانا سازی ترکیبی از نظریه رفاه، برابری و فقرزدایی است. با این تفاوت که طرفداران این نظریه برای عینیت بخشیدن به تغییرات بلند مدت به سازمان‌های غیر دولتی زنان و گروه‌های مشابه را برای بسیج آنان، آگاه سازی و آموزش همگان ضروری می‌داند (محمدی، ۱۳۸۲: ۱۱۵).

توانمندسازی راهبردی است که می‌تواند باعث توسعه اجتماعات محلی (هادی‌زاده، ۱۳۸۴: ۱۷۱) متضمن مقاومت در برابر انزوای افراد و کاهش وابستگی آنان (کولت، ۱۳۸۳: ۱۴۶)، امکان انتخاب براساس خواسته‌های خود و ... شود. از جمله راهبردهای اساسی که برای توانمندسازی جوامع محلی در راستای دستیابی به اهداف توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورها می‌تواند به کار گرفته شود می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- آموزش و بهسازی توان حرفه‌ای گروه‌های مختلف مردم.
- تسهیل مشارکت مردم در فرآیند برنامه‌ریزی، اجرا و ارزشیابی فعالیت‌های اقتصادی، اجتماع.
- مشارکت گروه‌های مختلف در تدوین سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های اساسی جامعه.
- توسعه توانمندی‌های کارآفرینی و اشتغال و افزایش دسترسی افراد به اعتبارات مالی.
- افزایش آگاهی‌های اجتماعی و فرهنگی و تلاش برای اجرای مؤثر قوانین و بسط عدالت اجتماعی.

به نظر می‌رسد در روستای مورد مطالعه توانمند سازی اقتصادی از طریق آموزش‌ها و فراهم کردن زمینه‌ها و ابزار لازم، عمل کرده است. از طرف دیگر زنان روستایی با آگاه شدن به نقش خود و مشارکت در پروژه‌های اشتغال‌زا و درآمدزا فعالانه در عرصه‌های اقتصادی و حتی در عرصه‌های اجتماعی روستا مشارکت کرده‌اند.

۲-۱. سازمان‌های غیردولتی و محلی روستایی در ایران

سازمان‌های غیردولتی و محلی روستایی در ایران را می‌توانیم به دو دسته؛ تشکل‌های داوطلب سنتی و تشکل‌های داوطلب مدرن تقسیم کرد.

تشکل‌های داوطلب سنتی شامل: تشکل‌های روستایی در زمینه مدیریت نیروی انسانی (بنه)، تشکل‌های روستایی در زمینه ارائه خدمات تولید (میرآب) و تشکل‌های روستایی در زمینه مدیریت خدمات عمومی (شواری اسلامی و دهیار).

سازمان‌های غیردولتی مدرن برای اهداف متنوعی به وجود می‌آیند. از جمله اهداف آنها دنبال کردن اهداف اجتماعی و سیاسی، اعضای سازمان و بهبود وضع محیط زیست، رعایت حقوق بشر، کاهش فقر یا اعلام کارهایی که باید انجام شود اشاره کرد. به طور کلی مشکلات سازمان‌های غیردولتی را می‌توان به دو بخش درون سازمانی شامل؛ مشکلات مدیریتی، ارتباطات ناقص، عدم تجربه کافی در برنامه‌ریزی، ضعف فرهنگی مشارکت و برون سازمانی شامل؛ مشکلات ثبت، عدم اطلاع‌رسانی، مشکلات مالی، فقدان شبکه‌های تخصصی و نداشتن همکاری دستگاه‌های دولتی با سازمان‌های غیردولتی دسته بندی کرد.

بدون شک پویایی و حیات سازمان‌های مردمی و غیردولتی منوط به همکاری دستگاه‌های دولتی با آنان و به طور کلی اعتقاد مدیران اجرایی به توانمندی‌های این نوع سازمان‌هاست. با عنایت به تأکید دولت قبل مبنی بر واگذاری بخشی از امور اجرایی به سازمان‌های غیردولتی متأسفانه به دلایل مختلفی چون عدم آشنایی و شناخت جوهره سازمان‌های غیردولتی از سوی مدیران اجرایی و وجود رانت در واگذاری امور، وجود گرایش‌های سیاسی و... ناکام مانده است (کریمی، ۱۳۸۴).

یکی از مهمترین تشکل‌های محلی که در توانمندسازی روستایی اقدامات مؤثری انجام داده، مؤسسه همیاران غذا است. این تشکل تأکید زیادی در توانمندسازی نواحی روستایی دارد، مؤسسه امیدوار است با رایزنی و همفکری در سطح سیاست گذاری ملی و ترویج طرح‌های توانمندسازی جوامع محلی این رویکرد را به صورت الگو در کنار برنامه‌ریزی دولت ترویج نماید. اهداف کلی مؤسسه در این محور عبارتند از:

- توسعه رهیافت مشارکتی در میان تمام دست‌اندر کاران بخش دولتی، خصوصی، نهادهای مدنی و جوامع محلی؛
- تقویت روحیه خودباوری و اتکاء به خود در بین مردم؛
- اصلاح نقش دولت از سرپرست به تسهیل‌گر، به گونه‌ای که مشارکت مردم و تشکل‌ها در تصمیم‌گیری لحاظ شود؛
- تمرکز زدایی در برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌ها از طریق مشارکت و اتصال پایدار با ساختارهای موجود؛
- بهره‌گیری از ظرفیت‌های سازمان‌یافته مردمی برای توسعه و پایدار ساختن طرح‌های توسعه‌ای؛
- بهره‌گیری از ظرفیت‌های خیرین و مؤسسات خیریه در اجرای فعالیت‌های فقرزدایی بر محور اشتغال؛

هدف نهایی در این برنامه‌ها، اشاعه رویکرد مشارکتی در امر توسعه از مرحله تصمیم‌سازی تا اجرا می‌باشد که از طریق درگیر نمودن تمام دست‌اندرکاران اعم از مردم، نهادهای مردمی، مقامات محلی، تشکل‌های غیردولتی داوطلب و بخش خصوصی در اجرای طرح‌های توسعه‌ای حاصل می‌شود. این سازمان‌ها می‌توانند از طریق؛ ارائه اطلاعات صحیح‌تر به دستگاه‌های دولتی درباره نیازهای محلی، اولویت‌ها و امکانات، بسترسازی زمینه کار گروهی و ترویج همکاری متقابل و دادن توانایی اظهار نظر به مردم محلی و قدرت دادن به آنان برای تقاضای قابل قبول از دولت در روند توسعه روستایی ایفای نقش کنند (جمعه‌پور، ۱۳۸۴: ۱۰۴).

۲-۲. توانمندسازی زنان

توانمند سازی در زبان فارسی، مترادف قدرتمندسازی، کارآمدسازی، تواناسازی و توان افزایشی است. واژه توانمندسازی به دنبال انقلاب در مدیریت و پیامدهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در دوران انقلاب صنعتی برمی‌گردد (احمدیان شالچی، ۱۳۸۶: ۳۴). آنچه در واژه توانمندسازی نهفته است عناصر؛ دسترسی، مداخله و مشارکت، مسئولیت و ظرفیت تشکیلات محلی است. در خصوص توانمندسازی زنان نظریات متعددی وجود دارد. گروه اول توانمند سازی زنان را به مشارکت در تصمیم گیری و افزایش میزان دسترسی به منابع تولیدی بدون توجه به تحولات ساختاری و بیشتر نیازهای عملی را مد نظر دارند. گروه دوم توانمندسازی زنان را در راستای رسیدن به عدالت اجتماعی و توسعه پایدار می‌دانند (malhotra, ۲۰۰۲:۳).

توانمندسازی فرآیندی است که طی آن زنان از نیازها و خواسته‌های درونی خود آگاه می‌شوند، جرأت دستیابی به هدف و عملی ساختن خواسته‌های خود برخوردار می‌شوند (کتابی، ۱۳۸۴: ۵۲). یکی از مفاهیمی که در ارتباط با توانمندسازی زنان مطرح است، موضوع مشارکت است. یعنی مشارکت برابر و یا فرصت مشارکت زنان در فرآیند تصمیم گیری و در تمام مراحل آن شامل؛ بررسی نیازها، شناسایی مشکلات، برنامه‌ریزی، مدیریت، اجرا و ارزشیابی است (همان: ۶). اما واقعیت این است که در زمینه مشارکت زنان در این فرآیند مشکلات فراوانی از جمله؛ موانع فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، پایین بودن سطح دانش و آگاهی، عدم دسترسی به منابع، عدم کنترل بر منابع و مشغله فراوان است (ایروانی، ۱۳۷۰: ۲۰).

توانمندسازی زنان شامل ارتقاء زنان در مدیریت در خانواده و محله است. گرچه زنان روستایی بخش عمده‌ای از نیروی کار در مناطق روستایی را تشکیل می‌دهند، اما در روند تصمیم گیری‌های اجتماعی، به علت دسترسی محدود آنان به تحصیل، مشارکت ندارند. از این رو، کمبود اطمینان و اعتماد بنفس در میان آنان وجود دارد. آمار رسمی نشان می‌دهد که میزان فعالیت‌های اقتصادی زنان ۱۴/۳ درصد است. اما در نبود آمار دقیق، مشکل می‌توان اشتغال زنان در حرفه‌های سنتی، تولیدات کشاورزی، خانگی و صنایع دستی را بدرستی ارزیابی کرد. هدف از توانمندسازی زنان، افزایش آگاهی آنان درباره امور بهداشت، مشارکت در جامعه محلی و فرصت‌های اقتصادی است که از طریق استراتژی‌های نوین در امر بالابردن اعتماد به نفس زنان درباره توانایی‌هایشان در تصمیم گیری و مذاکره با دیگران و ارتقاء زنان به عنوان رهبران در خانواده و جامعه محلی صورت می‌پذیرد. توانمندسازی زنان یعنی آنها بتوانند به توانایی جمعی دست یافته و این امر به رفع تبعیض میان زنان و مردان منجر می‌شود مطالعان نشان می‌دهد که هر چه پشتوانه‌های مالی افزایش می‌یابد، میزان توانمندی نیز بیشتر می‌شود (دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری، ۱۳۷۲: ۱۹) حذف باورهای سنتی در توانمند سازی زنان مؤثر است. اعتقاد به این که زنان نباید در کارهای عمومی روستا مشارکت کنند، این امر به خصوص برای دختران و زنان مجرد محسوس تر است. طراحان نظریه توانمندسازی معتقدند که زنان باید بتوانند با مشارکت در فرآیند توسعه، قابلیت خویش را در تشخیص مشکلات و فائق آمدن بر آنها تقویت کنند (دیهم، ۱۳۸۲: ۶۵). به طور کلی توانمندسازی زنان به دو طریق میسر می‌شود: اول حذف عواملی که مانع از فعالیت زنان می‌شود و دوم افزایش توانایی و قابلیت آنان (کتابی، ۱۳۸۲: ۶). قدم اول در خصوص توسعه مشارکت زنان، توانمندسازی است. در بند "ه" ماده ۹۸ قانون چهارم توسعه، تدوین و تصویب طرح جامع توانمندسازی و حمایت از

حقوق زنان در ابعاد حقوقی، اجتماعی، اقتصادی و اجرای آن در مراجع ذی‌ربط تأکید شده است (سازمان مدیریت و برنامه ریزی، ۱۳۸۳: ۱۷۳). برای تحقق اهداف برنامه‌های توسعه راهکارهای متعددی ارائه شده است که اجرای آن راهکارها می‌تواند در توانمندسازی زنان به خصوص در نواحی روستایی مؤثر واقع شود. یکی از این راهکارها کارآفرینی و اشتغالزایی است. این راهکار ضمن ایجاد اشتغال و تنوع آن، کیفیت بهره‌وری فعالیت زنان را بهبود می‌بخشد. راهکار دوم، ارائه اعتبارات مالی خرد است. این راهکار می‌تواند در ایجاد اشتغال و ایجاد فعالیت‌های اقتصادی و بهبود سطح زندگی مؤثر باشد. حرفه آموزی از راهکارهای دیگر است. این راهکار ضمن توانمندسازی اقتصادی، زمینه مناسب برای تواناسازی اجتماعی زنان باشد. حرفه آموزی از طریق آموزش‌های فنی و حرفه‌ای میسر می‌گردد. این امر در ایجاد اشتغال و درآمد و کسب توانایی برای حضور فعال‌تر در جامعه نیز نقش دارد (نظری، ۱۳۷۸: ۲۰۰).

نظریه توانمندسازی ترکیبی از نظریه‌های رفاه، برابری و فقرزدایی است با این تفاوت که طرفداران این نظریه برای عینیت بخشی به تغییرات بلند مدت به امید آینده و یا سازمان‌های دولتی تکیه نداشته بلکه تلاش سازمان‌های غیردولتی زنان و گروه‌های مشابه برای بسیج سیاسی، آگاه‌سازی و آموزش همگان را ضروری می‌دانند (زیاری، ۱۳۸۳: ۱۰۸).

۲-۳. سازمان‌های غیردولتی و توسعه پایدار محلی

سازمان‌های غیردولتی می‌توانند در چهار زمینه در توسعه پایدار محلی مؤثر باشند:

۱. حامیان سازمان‌های غیردولتی، این تشکل‌ها را به عنوان جایگزینی مناسب برای دولت‌ها در ارائه خدمات و اولویت‌هایی همچون برنامه‌ریزی خانواده‌ها، حمایت کودکان، توسعه مشارکت‌های کوچک، محیط زیست، گردشگری و غیره می‌دانند. تمرکز اصلی حامیان در تقویت بخشی سازمان‌های غیردولتی موجب گسترش و توانایی سازمانی در برنامه‌ریزی، اجرا و ارزیابی برنامه‌های توسعه شده است.
۲. سازمان‌های غیردولتی در سطح عام نیروهای مهم برای تقویت نهادهای جامعه مدنی به شمار می‌آیند. از آنجایی که بسیاری از سازمان‌های داوطلب دارای ارزش‌ها و ایده‌آل‌های مشترکی در میان اعضای خود هستند لذا حامیان و تسریع‌کنندگان مهم تغییرات اجتماعی به شمار می‌روند.
۳. سازمان‌های غیردولتی می‌توانند منبع نوآوری، تجربه کردن و آزمودن رویکردهای نوین در قبال مسایل توسعه باشند. سازمان‌های غیردولتی می‌توانند از طریق بسیج منابع و انرژی مولد در خدمات اجتماعی و توسعه آنها، نقش بسیار مهمی در توسعه داشته باشند.
۴. سازمان‌های غیردولتی نقشی مهم در ارائه باز خوردهای لازم در زمینه سیاست‌ها و برنامه‌ها دارند که این امر از طریق مشارکت در تغییرات سیاسی و کمک به تدوین برنامه‌های توسعه محقق می‌گردد.

سازمان غیردولتی تشکل خود جوش و مردمی است که با تقویت حس مسئولیت‌پذیری و پرداختن به مزیت اجتماعی، خدمات گسترده‌ای را به عامه مردم ارائه می‌دهد و در خارج از محدوده دست و پاگیر دولتی عمل می‌کند. در واقع این نوع سازمان‌ها نقش واسط میان جامعه و حکومت بازی می‌کند (زیارتی نصرآبادی، ۱۳۸۴: ۱۴). از جمله راهبردهای اساسی که برای

- توانمندسازی جوامع محلی در راستای دستیابی به اهداف توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورها می‌تواند به کار گرفته شود، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:
- آموزش و بهسازی توان حرفه‌ای گروه‌های مختلف مردم.
 - تسهیل مشارکت گروه‌های مختلف مردم در فرآیند برنامه‌ریزی، اجرا و ارزشیابی فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.
 - مشارکت گروه‌های مختلف در تدوین سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌های اساسی جامعه.
 - توسعه توانمندی‌های کارآفرینی و اشتغال و افزایش دسترسی افراد به اعتبارات مالی.
 - افزایش آگاهی‌های اجتماعی و فرهنگی جوامع و تلاش برای اجرای مؤثر قوانین و بسط عدالت اجتماعی.
- به منظور آن که فرآیند توانمندسازی جوامع بتواند به عنوان بخشی از مداخلات توسعه‌ای منجر به بهبود شاخص‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشورها و به ویژه جوامع محلی شود بایستی اصولی را در اجرای این فرآیند مد نظر قرارداد که برخی از مهمترین آنها عبارتند از:
۱. جمع‌گرایی: یکی از اقدامات اساسی به منظور توانمندسازی طبقات محروم جامعه، گردآوری گروهی از آنها در کنار یک دیگر برای انجام یک فعالیت اقتصادی، اجتماعی و یا فرهنگی می‌باشد. این امر باعث می‌شود که آنها با هویت خود و دیگران بهتر آشنا شده و در بین آنها نوعی احساس تعلق ایجاد شود.
 ۲. ظرفیت‌سازی: به محض آن که افراد در کنار یکدیگر جمع شدند، گام بعدی ارتقای توانایی و ظرفیت آنها برای کارگروهی و ایفای نقش سازنده در گروه می‌باشد.
 ۳. مالکیت و کنترل: زمانی که افراد از توانایی لازم برای برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی - اجتماعی برخوردار شدند، موضوع کنترل آنها بر کل این فعالیت‌ها اهمیت می‌یابد.
 ۴. برقراری ارتباط با محیط خارج مانند: بازار، مؤسسه‌های مالی و اعتباری، سیاستگذاران، کارکنان و کارگزاران دولتی و غیره، یکی از اصول توانمندسازی افراد در جوامع است.
 ۵. وجوه توانا سازی: تواناسازی افراد در جوامع محلی فعالیتی تک بعدی و صرفاً با کارکرد توسعه اقتصادی یا اجتماعی نیست بلکه فرآیندی چندکارکردی بوده و در راستای دستیابی به اهداف توسعه‌ای یک کشور، شهر یا محله دارای وجوه یا جنبه‌های متنوع و گوناگون از جمله: روانشناسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سازمانی، سیاسی و نمادی است (cbi.blogfa.com).

۳. روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی - تحلیلی است. شیوه‌های جمع‌آوری اطلاعات شامل؛ کتابخانه‌ای، میدانی و جستجو در اینترنت است. داده‌های مورد استفاده در این تحقیق شامل اطلاعات خانوارهای روستایی در روستای اردوغش در شهرستان نیشابور است. بخش وسیعی از اطلاعات از خانوارهای نمونه (تعداد ۶۰ پرسش‌نامه) و از طریق پرسش‌نامه جمع‌آوری شده است. بدین معنی که نیمی از پرسش‌نامه‌ها از زنان عضو باشگاه کشاورزان جوان و نیمی دیگر از بین سایر زنان روستا تکمیل شده است. بعلاوه با اعضای باشگاه کشاورزان جوان، کارشناسان واحد ترویج و مشارکت‌های مردمی سازمان جهاد کشاورزی و کارشناسان محلی نیز مصاحبه شده است. این تحقیق طی مراحل زیر صورت گرفته است:

- بررسی سوابق و معیارهای بررسی و ارزیابی.
- تهیه پرسش‌نامه جهت بررسی وضعیت و ارزیابی تشکلهای محلی.
- تکمیل پرسش‌نامه در خانوهای نمونه (به تعداد ۶۰ پرسش‌نامه).
- ورود اطلاعات، جمع‌بندی و تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده.

۴. محدوده مورد مطالعه

دهستان اردوغش در شهرستان نیشابور قرار دارد. این شهرستان در سال ۱۳۸۵ دارای ۴۴۲ هزار نفر جمعیت بوده است. همچنین روستای اردوغش که در بخش زبرخان واقع شده دارای ۳۷۴ خانوار و ۱۴۷۶ نفر جمعیت در این سال بوده است. بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۸۵ از مجموع جمعیت روستا تعداد ۱۱۴۰ نفر باسواد بوده‌اند که ۵۵۱ نفر از آنان زن بوده‌اند (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۶).

ساختار اشتغال و نیروی انسانی در این روستا دارای وضعیت خاصی است. برخورداری از خاک مناسب و با استفاده از آب‌های زیرزمینی و همچنین وجود اراضی پایکوهی و مراتع نسبتاً مناسب موجب شده است که فعالیت‌های زراعی، باغداری و دامداری به عنوان اصلی‌ترین و مهم‌ترین منبع درآمد روستاییان مطرح باشد. از طرف دیگر وجود خدمات و امکانات زیربنایی، نزدیکی و دسترسی سریع و آسان به شهرهای مشهد و نیشابور و از طرف دیگر موقعیت مکانی و جغرافیایی مناسب آن موجب شده است که این منطقه در برنامه‌ریزی‌های محلی مورد توجه برنامه‌ریزان قرار گیرد (دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۶: ۳۲). باغداری از مهمترین فعالیت‌های اقتصادی در روستا است. این روستا یکی از مراکز مهمی است که دارای انواع باغات میوه و از جمله آلو می‌باشد. به علت حجم بالای تولید و مرغوبیت منحصر به فرد آن هر ساله مقدار قابل توجهی به بازار مصرف عرضه می‌شود با توجه به این که در باغات درختان به صورت مختلط غرس شده و هر باغ به درخت میوه خاصی اختصاص نیافته است تفکیک باغات با نوع درختان میوه مشکل است تنها بخشی از باغات که به صورت مشخص از نظر نوع میوه قابل تفکیک بوده‌اند در آمار ذکر شده و بقیه باغات تحت عنوان سایر آمده است. براساس نتایج سرشماری کشاورزی سال ۱۳۸۲ مجموع باغات دهستان اردوغش ۱۴۵۵ هکتار و ۴۷/۵ درصد مجموع باغات در بخش زبرخان است. به نحوی که روستای اردوغش حدود ۳۰ هکتار باغ آلو، گردو و آلبالو گیلان است. همچنین این روستا دارای ۲۲۰۰ رأس گاو و بیش از ۱۲۰۰ رأس گوسفند

است (نتایج سرشماری کشاورزی، ۱۳۸۲). در بخش صنعت منطقه از موقعیت مناسبی برخوردار است و با توجه به احداث شهرک صنعتی امام‌رضا فعالیت گسترده‌ای در منطقه آغاز شده است لیکن تحقیقات و بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد صاحبان صنایع عموماً غیر بومی می‌باشند. محاسبات موجود نشان می‌دهد که درآمد سرانه در این روستا ۴ میلیون ریال است (دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۵: ۴۷).

۵. یافته‌ها

۱-۵. معرفی باشگاه کشاورزان جوان

این سازمان غیر دولتی که توسط اهالی روستای اردوغش شکل گرفته، تحت عنوان "باشگاه کشاورزان جوان" نامگذاری شده است. باشگاه به دنبال همفکری و همیاری اهالی روستا و به ویژه جوانان با تشویق و مساعدت جهاد کشاورزی از اسفند ماه سال ۱۳۸۴ شروع به فعالیت نموده است. محل باشگاه در خود روستای اردوغش می‌باشد. باشگاه طبق اساسنامه دارای مجمع عمومی و دبیر می‌باشد. از همان ابتدا دو دبیر انتخاب گردید که یکی در شاخه آقایان و دیگری در شاخه خانم‌ها بوده است. این باشگاه در حال حاضر حدود ۹۰ نفر عضو داشتند که حدود ۴۰ نفر زن و بقیه مرد می‌باشند. اعضاء باشگاه به لحاظ سنی بین ۱۶-۳۳ سال می‌باشند و به لحاظ تحصیلات در سطوح ابتدایی، سیکل، دیپلم و لیسانس می‌باشند. برای بهتر انجام دادن امور مد نظر توسعه روستا اقدام به تشکیل کمیته‌های مختلفی نموده است این کمیته‌ها شامل: کمیته اشتغال، کمیته فرهنگی و ادبی، کمیته فرهنگی مذهبی، کمیته ورزشی، کمیته کشاورزی و دامی.

۲-۵. فعالیت‌های اولیه باشگاه

۱. اولین اقدام باشگاه تلاش اعضای باشگاه برای تهیه اساسنامه بوده است. در این زمینه با دعوت از نخبگان روستا که در نقاط دیگر مشغول به فعالیت بوده‌اند، و همفکری افراد روستا اساسنامه باشگاه تهیه گردید. از آنجایی که نخبگان روستا اغلب در خارج از روستا اقامت دارند لذا مردم برای ایجاد تشکل‌های محلی و غیر دولتی باید تلاش کنند تا از همه تخصص‌ها و توان افراد بهره گیرند. بنابراین، باشگاه کشاورزان جوان نیز در این خصوص به خوبی از توان‌های انسانی بهره گرفته است.

۲. دومین اقدام پس از تشکیل، تعیین دبیران باشگاه از طرف اعضاء بوده است.

۳. از جمله مهمترین اقدامات اجرایی که در باشگاه صورت گرفته تهیه طرح توسعه راهبردی یا سند چشم‌انداز ده ساله روستای اردوغش می‌باشد که پس از تهیه توسط اعضا و نخبگان روستا به جهاد کشاورزی ارسال شده است. در واقع تشکیل تیم تخصصی متشکل از افراد متخصص در زمینه‌های مختلف با شناخت از قابلیت‌ها و محدودیت‌های روستا به منظور توسعه به تهیه برنامه توسعه پرداخته و در تهیه برنامه‌های توسعه منطقه‌ای و تهیه طرح ساماندهی بخش زبرخان نیز مشارکت داشته است. فعالیت‌های باشگاه به تفکیک و به طور خلاصه در ذیل آورده شده است: -کمیته فرهنگی ادبی: انتشار نشریه نغمه سبز که به صورت فصل‌نامه بوده و محتوای آن شامل: مطالبی مربوط به کشاورزی، دام و پرورش دام، مسائل بهداشتی، بیمه اجتماعی روستاییان، تحولات، خبرهای مربوط به روستا و باشگاه، تقویت و تجهیز کتابخانه روستای تهیه کتاب‌های

مورد نظر جوانان محل و مشغول به تحصیل روستا، توجه به اولویت‌های مطرح شده استفاده کنندگان از مهمترین اقدامات این کمیته بوده است. این نشریه به علت ترویج مباحث مختلف مرتبط با مسائل روستا در آگاهی بخشی اهالی روستا نقش مؤثری دارد. کتابخانه با کمبود کتاب‌های مورد نیاز مواجه بوده و با توجه به تقاضای استفاده‌کنندگان برای استفاده از کتاب‌های مختلف در زمینه‌های گوناگون: کشاورزی، دامداری، بهداشتی و زنان و ... کتابخانه شرایط مناسب برای ارائه خدمات به مردم را ندارد. از آنجایی که اطلاع رسانی و آگاهی بخشی، یکی از ضرورت‌های توانمندسازی ذهنی روستاییان است لذا انتشار مجله و بروشور فرهنگی می‌تواند در این خصوص بسیار مؤثر و سودمند واقع شود. هدف از تهیه این بروشور هفتگی اطلاع رسانی مناسب‌تر و به روزتر به مردم در مورد مسائل مختلف روستا و فعالیت‌های مربوط به باشگاه و همچنین کاستن از مشکلات مالی جهت انتشار کافی و مناسب نشریه تا همه بتوانند از آن استفاده کنند.

- کمیته فرهنگی مذهبی: این کمیته عمدتاً به برگزاری جشن درمناسبت‌های مختلف، تهیه کتاب‌های مذهبی از طریق مذاکره با آستان قدس رضوی و برگزاری کلاس‌های قرآنی مربوط به بخش بانوان می‌پردازد.

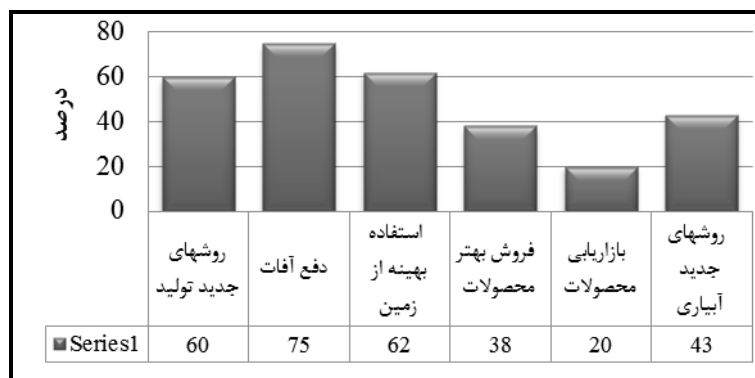
- کمیته ورزش: تشکیل باشگاه بدنسازی، تشکیل گروه‌ها و تیم‌های ورزش فوتبال، والیبال و تهیه لباس و وسایل ورزش مورد نیاز توسط باشگاه با اتکاء به کمک‌های مردمی از عمده فعالیت‌های این کمیته بوده است. ضعف منابع مالی وعدم حمایت اداره تربیت بدنی از مهمترین مشکلات این کمیته است و به همین دلیل هم باشگاه بدنسازی در حال ساخت به صورت نیمه تمام مانده است.

- کمیته ترویج: از اهم فعالیت‌های این کمیته می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- برگزاری کلاس‌های آموزشی و ترویجی در زمینه بسته‌بندی آلو که بیشتر مختص بانوان روستا بوده و همچنین کلاس‌های آبیاری و هرس و سموم... تعداد اعضاء شرکت کننده در کلاس‌های بانوان حدود ۴۰ و کلاس‌های مردان ۷۰ تا ۸۰ نفر بوده است.

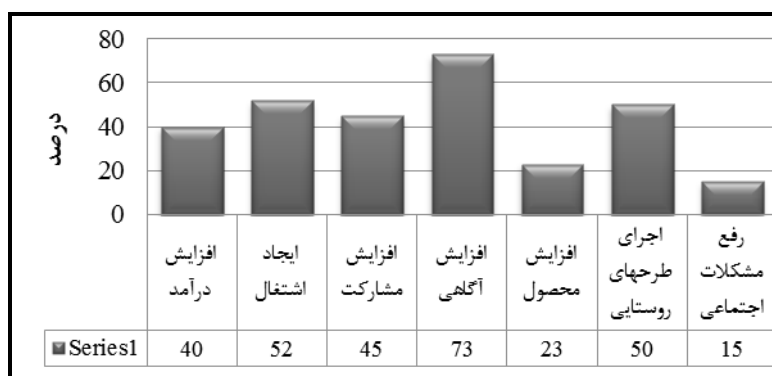
- بازدید از کارخانه‌های سبزی خشک‌کن مشهد، مراکز پرورش قارچ، کشت‌های گلخانه‌ای و فرآوری زعفران.

به منظور بررسی اثرات برگزاری کلاس‌های آموزشی توسط باشگاه کشاورزان جوان در روستای اردوغش از کلیه زنان شرکت کننده پرسش‌نامه تکمیل شده است. بر اساس اطلاعات بدست آمده، افرادی که در کلاس‌های آموزشی شرکت داشته‌اند معتقدند بیشترین اثر برگزاری کلاس‌های آموزشی در زمینه‌های: دفع آفات، روش‌های جدید تولید و آبیاری بوده است. این افراد تأکید داشته‌اند که در زمینه بازاریابی و فروش محصول کلاس تخصصی برگزار نشده و کلاس‌های دیگر کمک چندانی در این زمینه نداشته است.



شکل ۱. نظرات زنان در خصوص اثرات برگزاری کلاس‌های آموزشی توسط باشگاه کشاورزان جوان

نتیجه بررسی‌ها نشان می‌دهد که حدود ۶۸ درصد از افرادی که در کلاس‌های آموزشی شرکت داشتند برگزاری این کلاس‌ها را در ایجاد توانایی در آنان برای بهره‌برداری بهتر از امکانات کاملاً مفید، ۲۵ درصد نسبتاً مفید و حدود ۷ درصد نیز غیر مفید دانسته‌اند. نظرسنجی در بین زنان روستایی عضو باشگاه کشاورزان جوان نشان می‌دهد که در مجموع از فعالیتهای این تشکل رضایت داشته و موفقیت‌های آنرا بیشتر در زمینه‌های آگاهی بخشی، اشتغال‌زایی و درآمد زایی دانسته‌اند. مشارکت باشگاه در زمینه اجرای طرح‌های روستایی و پی‌گیری اجرای آن در نهادهای اجرایی را یکی دیگر از فعالیتهای باشگاه بیان کرده‌اند. آنها در پاسخ به این سؤال که عمده فعالیتهای موفقیت‌های باشگاه در چه زمینه‌هایی بوده است، ۴۰ درصد به افزایش درآمد، ۵۲ درصد به ایجاد اشتغال، ۴۵ درصد به افزایش مشارکت، ۷۳ درصد به افزایش آگاهی و توانمندسازی، ۲۳ درصد به افزایش محصول و ۱۵ درصد به رفع مشکلات اجتماعی بین اعضا اشاره کرده‌اند.



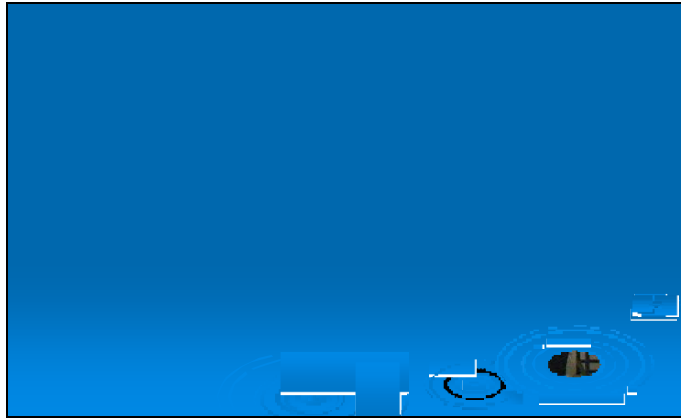
شکل ۲. میزان و زمینه‌های موفقیت باشگاه کشاورزان جوان از نظر زنان روستایی

۳-۵. کمیته اشتغال

این کمیته جزء مهمترین کمیته‌های باشگاه کشاورزان جوان بوده و فعالیتهای زیادی در راستای اشتغال‌زایی و درآمدزایی در روستا داشته است. از جمله مهمترین فعالیتهای کمیته اشتغال، تهیه طرح‌های اشتغال‌زایی برای روستا بوده است. این طرح‌ها شامل موارد زیر می‌باشد:

۱. طرح جمع‌آوری شیر که با توجه به تولید روزانه (بیشتر بین ۸ تا ۱۰ تن) در روستای اردوغش به اشتغال ۳ نفر انجامیده است. قیمت تعیین شده شیره که از سطح روستا جمع‌آوری خواهد شد، ۴۰۰ تومان و فروش شیر توسط افراد شاغل در این بخش حدود ۴۸۰ تومان می‌باشد لازم به ذکر است که میزان شیر تولیدی روستا روزانه حدود ۸ تا ۱۰ تن می‌باشد.

۲. طرح بسته‌بندی قند شکسته که به اشتغال ۵ نفر از زنان روستا انجامیده است. قند توسط باشگاه خریداری و در اختیار افراد قرار می‌گیرد و پس از خرد شدن، بسته‌بندی و به فروش می‌رسد.



شکل ۳. زنان شاغل در پروژه بسته بندی قند شکسته

۳. ایجاد پست بانک در روستا که منجر به اشتغال‌زایی ۳ نفر گشته است.

۴. پرواربندی دام: در این زمینه باشگاه طی جمع‌آوری وام‌های پرواری روستاییان و تجمع این دام‌ها تحت نظر باشگاه در یک بخش مشخص یعنی دامداری جهت کاهش هزینه‌های پرواربندی (علوفه و...) و سازماندهی کردن تولیدات حاصل است. با توجه به این که کل روستا دارای ۵۰۰ رأس دام یعنی به طور متوسط هر خانوار ۴ رأس دام داشتند و همچنین روستا دارای ۲ دامداری صنعتی و ۱۵ دامداری سنتی می‌باشد تهیه علوفه مورد نیاز به طور آزاد انجام می‌شود و هیچ‌گونه کمکی به دامداران و اهالی روستا در این راستا صورت نگرفته است. طرح پرواربندی دام در حال حاضر به وسیله سرمایه‌ای محدود (حدود ۱۰ تا ۱۲ میلیون تومان) با جمیع امکانات، مکان و علوفه حدود ۲ نفر مشغول به فعالیت هستند. میزان درآمد حاصله بستگی به وضع بازار قیمت علوفه ... دارد. ولی می‌توان درآمد حاصل شده از این بخش را هم تا حدود ۲۰۰ هزار تومان برای دو نفر تخمین زد.

۵. بسته‌بندی آلو: در حال حاضر زنان روستایی پس از طی برنامه‌های آموزشی به بسته بندی بهداشتی آلو در ۵ تا ۶ ماه از سال مشغول بوده که از این طریق ارزش افزوده زیادی نصیب روستا شده و در افزایش درآمد روستا بسیار مؤثر واقع گردیده است.



شکل ۴. بسته بندی بهداشتی آلو که از محصولات اصلی روستای اردوغش است

۶. گسترش سطح زیر کشت باغات: بررسی‌ها نشان می‌دهد با اصلاح شبکه‌های آبیاری و رساندن آب از طریق کانال‌های ایجاد شده مورد نیاز و انتقال آب زمین‌های زیر کشت می‌توان سطح زیر کشت باغ‌ها را تا حدود ۲۵۰ هکتار افزایش داد. کل زمین‌های زیر کشت آلو حدود ۷۵۰ هکتار می‌باشد که با طرح پیشنهادی تأمین آب می‌توان ۲۵۰ هکتار دیگر بر این سطح افزود. بنابر این با افزایش سطح زیر کشت درآمد خانوارهای روستایی افزایش خواهد یافت.

۷. اختصاص ۳۲ هکتار زمین برای گسترش فضایی روستا می‌باشد که توسط این تشکل پیگیری شده است.

۸. از دیگر طرح‌های مربوط به توسعه روستا و توسعه باشگاه طرح جامع باشگاه کشاورزان جوان می‌باشد. این طرح در واقع محل و مکان باشگاه جهت فعالیت‌های مناسب‌تر و سازماندهی شده باشگاه می‌باشد. این طرح که از طرف خود باشگاه پیشنهاد شده می‌تواند در زمینی به مساحت ۲ هکتار که باشگاه موفق به دریافت زمین مربوط شده پیاده شود. در این طرح بخش‌های مختلف در نظر گرفته شده است.

۹. طرح صنعتی شیرۀ آلو (محصولات آلی): در راستای توانمندسازی روستای اردوغش و استفاده از تمامی توان‌های موجود در روستا که می‌تواند حلال مشکلات اشتغال روستا و بخش زبرخان باشد طرح صنعتی شیرۀ آلو است. با توجه به این که مهمترین محصول روستا آلو بوده و سالانه ۱۵۰ تا ۲۰۰ تن آلو تولید می‌شود و بعلاوه تولید این محصول در بخش زبرخان و شهرستان نیشابور که می‌تواند تا حدود زیادی تأمین کننده مواد اولیه راه اندازی طرح مذکور تلقی شود. اجرای این طرح می‌تواند به اشغال ۲۰ تا ۳۰ نفر بینجامد. لازم به ذکر است که محصولات تبدیلی از آلو شامل صنایع تولیدی شکلات، مرباجات، چاشنی غذا، مصارف دارویی و ... است.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

اقداماتی که این نهاد مردمی و خودجوش (باشگاه کشاورزان جوان) با انگیزه ترقی و توسعه روستا انجام داده، می‌توان به امور مختلف اشاره کرد. استفاده از مشارکت‌های مردمی و شناساندن باشگاه به جامعه و حتی خارج از کشور (فرستادن نشریه نغمه سبز به سایر نقاط

ایران و کشور پاکستان)، تهیه طرح‌های بلند مدت توسعه (طرح راهبردی توسعه روستا) عضو گیری و سازماندهی حدود ۹۰ نفر از مردم روستا و بخصوص جوانان و زنان، راه اندازی پروژه‌های متعدد اشتغال‌زایی از جمله: پروژه بسته بندی بهداشتی آلو، قند شکسته، جمع آوری شیر، بافت فرش و برگزاری کلاس‌های متعدد آموزشی و ترویجی به منظور آگاهی بخشی و توانمند سازی و ... اشاره کرد. همچنین استفاده مستمر از نیروی کار زنان همراه با مشارکت دادن آنان در عرصه تصمیم‌گیری در طرح‌های باشگاه و ایجاد زمینه برای مشارک آنان در فعالیت‌های باشگاه خود به خود زمینه‌های بالا رفتن آگاهی آنان را در مسائل مربوط به خود و روستا و توسعه و اهداف باشگاه را موجب گشته است. مهمترین نتایج تحقیق شامل:

۱. حدود ۵۵ درصد از زنان غیر عضو از فعالیت‌ها و برنامه‌های این تشکل بی‌خبر بوده و ۸۰ درصد نیز از نتایج اقدامات آن (اشتغال‌زایی، بسته بندی بهداشتی محصول آلو و کلاس‌های آموزشی و ...) بی بهره بوده‌اند. چرا که عمده فعالیت باشگاه کشاورزان جوان تنها محدود به اعضای خود بوده است.

۲. یکی از مهمترین نقش‌های تشکل‌های غیر دولتی در توانمند سازی زنان روستایی در منطقه مورد مطالعه برگزاری کلاس‌های آموزشی و آشنا کردن آنان با روش‌های جدید کشاورزی و آبیاری بوده است. به طوری که بیش از ۶۵ درصد از پرسش شوندگان - که از اعضای باشگاه بوده‌اند- برگزاری این کلاس‌ها را بسیار مؤثر دانسته‌اند.

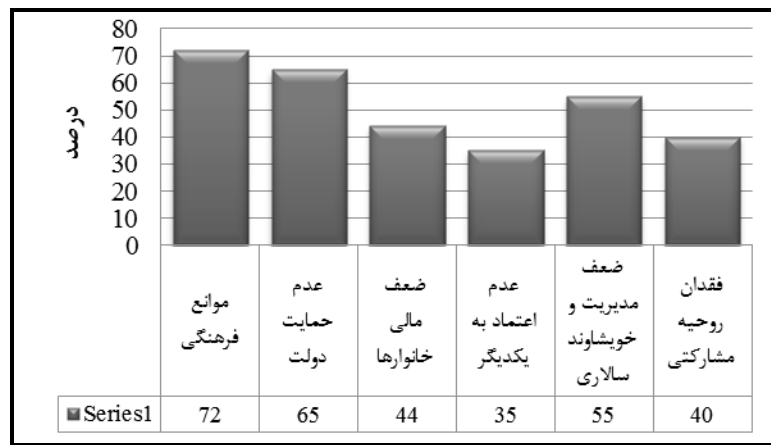
۳. ۸۲ درصد وجود مشکلات مالی و عدم حمایت دولت و دستگاه‌های اجرایی از تشکل‌های غیر دولتی را از مهمترین مشکلات ذکر کرده‌اند.

۴. ۷۳ درصد از زنان عضو باشگاه کشاورزان جوان عقیده داشتند در تصمیم‌گیری و ارائه راهکارها در جلسات آن مشارکت دارند. در این میان ۷۰ درصد دارای مدرک تحصیلی دیپلم و بالاتر بوده‌اند.

۵. ۸۰ درصد از اشتغال ایجاد شده در پروژه‌های اشتغال‌زا که توسط این تشکل پیگیری شده، به زنان اختصاص داشته است.

مشکلات: به طور کلی می‌توان اهم مشکلات مربوط به این تشکل را به دو دسته عوامل داخلی و روستا و عوامل خارجی (بیرون‌ازروستا در سطح ملی) تقسیم‌بندی کرد.

عوامل داخل روستا به مجموعه‌ای از مسائل و مشکلات اجتماعی و اقتصادی و سیاسی، فرهنگی موجود در روستا بر می‌گردد که به عنوان موانع عمده تحقق این مهم در سطح روستاها می‌باشد؛ عدم اعتقاد مردم و خانواده‌ها به حضور زنان در این تشکل‌ها، ضعف مالی و عدم شناخت توانایی‌های روستاییان از جانب خود مردم روستا و عدم آگاهی نسبت به مسائل و حقوق خویش ضعف‌های مدیریتی و غلبه روحیه خویشاوند سالاری در سطح روستا و عدم اعتماد مردم نسبت به یکدیگر و نهایتاً نبود مشارکت و فرهنگ مشارکتی از اهم این مسائل و مشکلات می‌باشد. عوامل بیرون از روستا را می‌توان مجموعه‌ای از مسائل سیاسی و اجتماعی و اقتصادی در سطح کشور دانست. روند برنامه‌ریزی متمرکز در کشور و انجام برنامه‌ریزی در سطوح بالا و دیده نشدن مسائل جزئی اما با اهمیت در سطوح محلی و روستاهای کشور از عواملی است که به عنوان موانع توسعه در سطح روستایی و در تشکیل چنین سازمان‌هایی به چشم می‌خورد. عدم شناخت تمام ظرفیت‌های توسعه در نواحی روستایی مختلف و اتخاذ تدابیر برنامه‌ریزی توسعه در سطح بالا که گاهی هیچ‌گونه تأثیری در سطوح محلی ندارد امری است که بایستی به آن توجه شود.



شکل ۵. عمده ترین مشکلات باشگاه کشاورزان جوان از نظر مردم

راهکارها: برای شکل‌گیری چنین نهادهایی لازم است که دولت و نهادهای وابسته به آن شرایط لازم را در زمینه زیرساخت‌ها و ابزارهای لازم و تا حدودی توان‌های مالی و نهایتاً حداقل‌ها را فراهم کند چرا که در ابتدای تشکیل چنین سازمان‌هایی حمایت‌های همه‌جانبه لازم و ضروری است. تنها با شعار مشارکت و نهادهای محلی و ... نمی‌توان بار مسؤلیت دولت را کاهش داد. جهت ایجاد و گسترش سازمان‌های مردمی در روستاهای کشور راهکارها و پیشنهادات زیر ارائه می‌شود:

۱. لازم است به منظور نهادینه شدن الگوی تشکیل و توسعه نهادها و سازمان‌های غیردولتی در مناطق روستایی و ارتقاء نقش آنها در برنامه‌های توسعه، به فرهنگ سازی در این زمینه به خصوص بین زنان اقدام کرد.

۲. در ابتدای تشکیل سازمان‌های غیردولتی لازم است تا این گونه نهادها و تشکلهای از یک حمایت و پشتیبانی قانونی بهره‌مند گردند، لذا ضروری است نهادهای قانونگذار در کشور با تصویب قوانینی مشخص و شفاف، بستر قانونی لازم را برای تشکیل و توسعه این گونه نهادها، هموار سازند.

۳. همکاری مؤثر و سازنده بین دولت و سازمان‌های غیردولتی می‌تواند بر شفافیت بیشتر ساختار اداری، و نیز پاسخ‌گویی آن در برابر اجتماعات محلی، تأثیرگذار باشد لذا ضروری است تا به برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح، کانال‌های ارتباطی سازنده و مثبتی بین دولت و NGO ایجاد شده و به دور از هر نوع حاشیه و با حسن تدبیر، یک رابطه برد - برد را در جهت فعالیت‌های توسعه‌ای در چارچوب قوانین کشور برقرار نمایند.

۴. تشویق مؤسسات کمک‌دهنده رسمی و وزارتخانه‌های دولتی برای پذیرش دیدگاه‌های توسعه بخشی داوطلبانه (از طریق ایجاد آموزش برای روستاییان) و شیوه سازی برای ایجاد تشکلهای غیردولتی.

۵. تخصصی شدن فعالیت تشکلهای و هدف‌گذاری روی موضوعات خاص و ضروری، می‌تواند کارایی و اثرگذاری این سازمان‌ها را بالا ببرد. لذا ضروری است هنگام تشکیل این نهادها از کلی‌گویی در اهداف و نیز گسترده کردن فعالیت‌ها در موضوعات متعدد پرهیز شود.

۶. آموزش زنان در عرصه تشکیل، سازماندهی و توسعه سازمان‌های غیردولتی و در سطح کلیه زنان علاقمند در نواحی روستایی به خصوص در بین زنان تحصیلکرده.

۷. تلاش در جهت ایجاد یک نظام مشاوره و مشورت به کشاورزان و روستاییان (گروه‌های بومی و محلی) در راستای مسئولیت‌پذیری، افزایش اعتماد به نفس، اشاعه دانش و مهارت مدیریت در میان آنها، به منظور ارتقاء توانمندی‌های مدیریتی در بین زنان، کمک شایانی به پایداری، ماندگاری و کارآیی این تشکلهای خواهد کرد.

۸. نیازهای مالی و اعتباری سازمان‌های غیردولتی از جمله موانعی است که در راه توسعه فعالیت‌های سازمان‌های غیردولتی مشکل ایجاد می‌کند. بهترین راهکار جهت رفع این مشکل آن است که این گونه سازمان‌ها به منابع مالی اعضاء و نیروهای مردمی متکی باشند تا استقلال تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری‌های خود را از دست ندهند. البته دولت نیز می‌تواند و تسهیلات اعتباری خاصی را برای این گونه سازمان‌ها در نظر گرفته و بدون لطمه وارد آوردن به استقلال و ماهیت مردمی این سازمان‌ها، در جهت توسعه فعالیت‌ها و تنوع بخشیدن به تلاش‌های آنان حرکت کند.

۷. منابع

۱. ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری، ۱۳۸۳، توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران، نشر نی، تهران.
۲. احمدیان شالچی، نسرين، ۱۳۸۶، توانمند سازی زنان خودسرپرست در منظومه مشهدقلی، پایان نامه دوره دکتری، دانشگاه فردوسی مشهد.
۳. ایروانی، هوشنگ و دیگران، ۱۳۷۳، معیارهای توانا سازی زنان در توسعه، مجله جهاد، سال پانزدهم، شماره ۱۷۱.
۴. حیدری، غلامرضا و جهان‌نما، فهیمه، ۱۳۸۲، توانایی زنان در بخش کشاورزی - روستایی، فصل‌نامه پژوهش زنان، شماره ۶، تهران، مرکز مطالعات زنان.
۵. حسین‌زاده، سیدرضا و دیگران، ۱۳۸۵، ساماندهی سکونتگاه‌های روستایی بخش زبرخان، دانشگاه فردوسی مشهد، معاونت پژوهشی.
۶. جمعه پور، محمود، ۱۳۸۴، مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی، انتشارات سمت.
۷. دفتر امور زنان نهاد ریاست جمهوری، ۱۳۷۲، نقش زنان در توسعه، تهران، روشنگران.
۸. درخشان، حسن، ۱۳۷۴، بررسی نقش زنان در اقتصاد کشاورزی، مجموعه مقالات همایش زن علم، صنعت و توسعه، دفتر امور زنان ریاست جمهوری، تهران.
۹. دیهیم، حمید، وهابی، معصومه، ۱۳۸۲، دسترسی زنان به اعتبارات نظام بانکی، فصل‌نامه پژوهش زنان، شماره ۷، مرکز مطالعات زنان، تهران.
۱۰. رضوانی، محمد رضا، ۱۳۸۳، مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، نشر قومس.
۱۱. زیارتی نصرآبادی، اسماعیل، ۱۳۸۴، سازمان‌های غیر دولتی و توسعه پایدار، ماهنامه پژوهشی آموزشی و ترویجی دهیاری، شماره ۱۸.
۱۲. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۳، مجموعه قوانین برنامه چهارم توسعه، تهران، دفتر مدارک، اسناد و انتشارات.
۱۳. شادی طلب، ژاله، ۱۳۸۱، توسعه و چالش‌های زنان ایران، نشر قطره، تهران.

۱۴. شهبازی، اسماعیل، ۱۳۷۲، **توسعه و ترویج روستایی**، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۱۵. طالب، مهدی، ۱۳۷۶، **مدیریت روستایی در ایران**، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۱۶. قریشی، پروین، ۱۳۷۶، **نقش زنان در پایداری کشاورزی دهقانی**، فصل‌نامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، مجموعه مقالات گردهم‌آبی زنان، مشارکت و کشاورزی ۱۴۰۰، شماره ۳، انتشارات وزارت کشاورزی، تهران.
۱۷. کتابی، محمود، بهجت یزدان‌خواستی و زهرا فرخی، ۱۳۸۲، **توانمندسازی زنان برای مشارکت در توسعه**، فصل‌نامه پژوهش زنان، شماره ۷، مرکز مطالعات زنان، تهران.
۱۸. کتابی، محمود و دیگران، ۱۳۸۴، **پیش‌شرط‌ها و موانع توانمندسازی زنان**، مجله پژوهشی علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، شماره ۲.
۱۹. کولت، استورت و فیلیپا، ۱۳۸۳، **نقش اجتماعات توسعه بازار**، فصل‌نامه روستا و توسعه، وزارت جهاد کشاورزی، تهران.
۲۰. محمدی، مهدی، ۱۳۸۲، **توانایی‌های زنان در اقتصاد تولیدی عشایر**، فصل‌نامه پژوهش زنان، شماره ۶، مرکز مطالعات زنان، تهران.
۲۱. مرکز آمار ایران، ۱۳۸۳، **نتایج سرشماری عمومی کشاورزی در سال ۱۳۸۲**، تهران.
۲۲. مؤسسه توسعه روستایی ایران، ۱۳۸۱، **چالش‌ها و چشم‌اندازهای توسعه روستایی ایران**، تهران.
۲۳. نواب اکبر، فیروزه، ۱۳۷۶، **نقش زنان روستایی در دهه گذشته**، فصل‌نامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، مجموعه مقالات گردهم‌آبی زنان، مشارکت و کشاورزی ۱۴۰۰، شماره ۳، انتشارات وزارت کشاورزی، تهران.
۲۴. هادی‌زاده‌بزار، مریم، ۱۳۸۴، **حاشیه‌نشینی و راهکارهای ساماندهی آن در جهان**، انتشارات آذربیزین.
۲۵. یاسوری، مجید، ۱۳۸۷، **نقش تشکلهای غیر دولتی در توانمندسازی نواحی روستایی**، معاونت پژوهشی دانشکده ادبیات، دانشگاه فردوسی مشهد.
۲۶. Malhotra, A. et al., ۲۰۰۲, **Measuring Womens empowerment as variable in international development**, World Bank.
۲۷. UNDP-United Nations Development Programme http://www.sci.org.ir/content/userfiles/_census۸۵/census۸۵/natayez/jadavel/۲۶.xls۲۵.
۲۸. <http://sociologyofiran.com/>، راهبرد توسعه مشارکتی یکپارچه و منطقه‌ای
۲۹. <http://www.hamyan.org/fulltext>، مؤسسه همیاران غذا، توانمندسازی جوامع محلی
۳۰. cbi.blogfa.com